

عوامل مؤثر بر ظرفیت مالیاتی در کشورهای منطقه منا با تأکید بر حکمرانی خوب

چکیده

مالیات‌ها و نهادها به شیوه‌های مختلف، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و عملکرد مالیاتی خوب، به چیزی بیش از تحلیل اقتصادی نیاز دارد. برای این کار به نهادهایی نیاز داریم که مجموعه‌ای از شرایط و بسترهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی را برای بهبود عملکرد مالیاتی فراهم کنند. کیفیت حکمرانی از جمله ملاک‌های تعیین‌کننده کیفیت محیط نهادی و بالطبع از عوامل تأثیرگذار بر عملکرد مالیاتی است. در این مقاله، با به‌کارگیری روش داده‌های ترکیبی به بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر ظرفیت مالیاتی به‌عنوان معیاری از سنجش عملکرد سیستم مالیاتی، در کشورهای منطقه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۹۶ پرداخته شده است. نتایج تخمین‌ها حاکی از این است که شاخص حکمرانی خوب، درجه باز بودن تجارت، درجه پولی شدن، میزان بدهی خارجی، رشد جمعیت و درآمدهای رانتی با یک سال وقفه، اثر مثبت و لگاریتم تولید ناخالص داخلی، اثر منفی و معنی‌داری بر ظرفیت مالیاتی دارند. از شاخص‌های حکمرانی خوب نیز شاخص‌های ثبات سیاسی، کیفیت قوانین و مقررات و کنترل فساد، معنی‌دار و دارای علامت مثبت می‌باشند و دیگر شاخص‌ها از معنی‌داری لازم برخوردار نیستند و از میان آنها، کیفیت قوانین و مقررات بیشترین نقش و تأثیر را بر ظرفیت مالیاتی دارد.

واژه‌های کلیدی: ظرفیت مالیاتی، حکمرانی خوب، منطقه منا، داده‌های ترکیبی

طبقه‌بندی JEL: D73, H71, C23

با نگاهی به شاخص‌های اقتصادی در کشورهای مختلف، تفاوت‌های زیادی در عملکرد اقتصادی کشورها مشاهده می‌شود. این تفاوت‌های گسترده در عملکرد اقتصادی کشورها، توجه بسیاری از اقتصاددانان و سیاست‌گذاران را در دهه‌های اخیر به خود جلب کرده است. لذا توضیح چگونگی بروز این اختلاف عملکردها و نیز ارائه راهکارهایی برای کاهش آنها، از اساسی‌ترین مباحث مورد توجه محققان و سیاست‌گذاران طی سال‌های متمادی بوده است.

در این راستا استرلی و لوین^۱ (۲۰۰۳) به بررسی سه دیدگاه مهم ارائه‌شده در زمینه عوامل مؤثر بر عملکرد اقتصادی کشورها پرداخته‌اند. گروه نخست، نظریه‌هایی هستند که تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها را به عوامل جغرافیایی و موهبت‌های طبیعی نسبت می‌دهند. گروه دوم از نظریه‌های بر نقش تجارت بین‌کشوری تأکید دارند و دیدگاه سوم، کیفیت نهادها^۲ را عامل اصلی اختلاف عملکرد اقتصادی کشورها می‌دانند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که کیفیت نهادی در بین این سه عامل، بیشترین تأثیر را بر عملکرد اقتصادی دارد و تأییدکننده این مطلب است که محیط نهادی که از حقوق مالکیت محافظت کند و اجرای قراردادها را تضمین، و سرمایه‌گذاری، کارآفرینی و خلق مشروع ثروت را تشویق نماید و موجب ارج نهادن به قانون و پایبندی به مقررات در سطوح مختلف جامعه شود، اصلی‌ترین عاملی است که منجر به عملکرد مطلوب اقتصادی و اجتماعی می‌شود.

دولت‌ها از جمله مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت محیط نهادی هستند. تأمین عدالت اجتماعی و اجرای سیاست‌های بازتوزیع درآمدها، درون‌زا کردن آثار خارجی مثبت و منفی و حرکت به سمت سطح بهینه اجتماعی در تولید و مصرف کالاها و خدمات، تولید کالاهای عمومی موردنیاز برای توسعه، اعم از زیرساخت‌های فیزیکی همچون راه‌ها و سدها و زیرساخت‌های نرم‌افزاری، همچون قوانین و مقررات کارآمد، ارتقای دانش عمومی، تسریع در فرایند انباشت سرمایه انسانی، و مبارزه با انحصارات از جمله کارکردهای متعارف دولت در ادبیات اقتصادی است. علاوه بر این موارد، کمک دولت‌ها به گسترش و تثبیت مردم‌سالاری و برخورداری مردم از حقوق سیاسی و اجتماعی و همچنین حفظ حقوق مالکیت آحاد اقتصادی جامعه از دیگر کارکردهای دولت در تعیین کیفیت محیط نهادی است. با توجه به افزایش نقش دولت‌ها در اقتصاد کشورها طی سال‌های اخیر، کیفیت حکمرانی دولت‌ها، اهمیت فزاینده‌ای یافته است.

انجام این وظایف دشوار که به‌عهده دولت گذاشته شده است مستلزم تحمل مخارج سنگینی است که برای تأمین این مخارج، دولت به‌ناچار باید منابع درآمد کافی در اختیار داشته باشد، که عمده‌ترین آنها درآمدهای مالیاتی هستند. نقش درآمدهای مالیاتی در بسیاری از کشورها در مقایسه با سایر منابع درآمدی از اهمیت بیشتری برخوردار است و در مقایسه با سایر منابع از ایجاد آثار نامطلوب اقتصادی به میزان قابل توجهی می‌کاهد. بر این اساس، آگاهی از میزان درآمدهای مالیاتی قابل دریافت از منابع مختلف مالیاتی، علاوه بر تخصیص بهینه منابع، دولت را در انجام برنامه‌ریزی‌های دقیق مالی کمک و میزان مشارکت مردم را در تأمین مالی هزینه‌های عمومی دولت به‌طور دقیق

^۱. Easterly & Levine

^۲. منظور از کیفیت نهادها، میزان توانایی آنها در ایجاد انگیزه برای انجام رفتارهای مطلوب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.

مشخص می‌کند. در این مقاله میزان اثرگذاری کیفیت حکمرانی بر ظرفیت مالیاتی و همچنین این موضوع که از میان شاخص‌های حکمرانی خوب، کدام یک ضریب تأثیر بیشتری بر ظرفیت مالیاتی دارد، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

بر این اساس، مقاله حاضر در پنج بخش تنظیم شده است: بخش دوم به بررسی مبانی نظری ظرفیت مالیاتی و ارتباط آن با حکمرانی خوب اختصاص داده شده است. بخش سوم به مروری بر مطالعات پیشین می‌پردازد. در بخش چهارم تصریح الگو و متغیرهای مدل ارائه شده است و بخش پنجم شامل نتایج تجربی است. در بخش پایانی نیز نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی با استفاده از نتایج تجربی ارائه شده است.

۱. مبانی نظری

ظرفیت مالیاتی، مقدار مالیاتی است که با توجه به پایه مالیاتی و گردش مالی فعالیت‌های اقتصادی، به‌طور بالقوه امکان دریافت آن در هر دوره وجود دارد (پژویان، ۱۳۸۶: ۸۶). اگر در یک دوره، اخذ مالیات بیش از ظرفیت مالیاتی باشد، باعث کاهش درآمد مالیاتی در سال‌های آتی خواهد شد و اگر کمتر از ظرفیت بالقوه باشد، دولت برای رسیدن به اهداف اقتصادی خود با مشکلات مالی مواجه می‌شود (مهرگان، ۱۳۸۳: ۵). از نظر عملی ظرفیت مالیاتی، مقدار مالیاتی است که می‌توان براساس عوامل تأثیرگذار بر نسبت مالیاتی به‌طور بالقوه دریافت کرد (قطمیری و اسلاملوئیان، ۱۳۸۷: ۱۶۹).

عوامل مؤثر بر ظرفیت مالیاتی به دو دسته تقسیم می‌شوند (برد، ۲۰۰۲). نخست، متغیرهای طرف عرضه که شامل متغیرهایی نظیر درآمد سرانه، سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی، تورم، و شاخص باز بودن اقتصاد هستند و در اغلب مطالعات سنتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. دوم، متغیرهای طرف تقاضا که نقش نهادهای اجتماعی را توضیح می‌دهند و انگیزه ذاتی شهروندان در پرداخت مالیات و میزان اعتقاد مردم به بهره‌گیری از منافع پرداخت مالیات را دارای اهمیت می‌داند. مهم‌ترین متغیرهای طرف تقاضا شامل متغیرهای حکمرانی خوب^۳، سرمایه‌های اجتماعی، نوع نگرش جامعه به پرداخت مالیات، توسعه سیاسی و فرهنگی جامعه، اخلاق مالیاتی، اقتصاد سایه‌ای، فرار مالیاتی، و نابرابری توزیع درآمد هستند که در برخی از مطالعات انجام‌شده در سطح بین‌المللی این متغیرها در هنگام محاسبه ظرفیت بالقوه مالیات، مورد توجه قرار گرفته‌اند (برد و دیگران، ۲۰۰۵؛ بانک جهانی، ۲۰۰۸؛ گوپتا، ۲۰۰۷؛ و داوودی و گریگوریان، ۲۰۰۷). آنها با افزودن این متغیرها به مدل و از مجموع این برآوردها نتیجه گرفتند که اگرچه متغیرهای طرف عرضه هنوز هم معنا دارند، اما متغیرهای طرف تقاضا هم مهم هستند و حتی از لحاظ مقداری از اهمیت بیشتری برخوردارند.

پیش از مطرح کردن هرگونه تحلیل نظری درباره ارتباط میان حکمرانی خوب و عملکرد مالیاتی باید قادر به سنجش

^۳. Bird

^۴. Good Gavenance

^۵. Bird, et al

^۶. World Bank

^۷. Gupta

^۸. Davoodi and Grigorian

کیفیت حکمرانی باشیم. بنابراین مسئله اصلی، دستیابی به شاخص‌ها و معیارهای کمی مناسب برای محاسبه کیفیت حکمرانی است؛ به گونه‌ای که بتوان با استفاده از آن به بررسی نحوه اثرگذاری مؤلفه‌های حکمرانی بر عملکرد مالیاتی پرداخت. در پاسخ به این نیاز، سازمان‌های متعدد بین‌المللی با برشمردن ویژگی‌های متنوع برای کیفیت حکمرانی اقدام به ارائه شاخص‌هایی کرده‌اند که ما در این مطالعه از میان شاخص‌های موجود، روی شش شاخص حکمرانی خوب که توسط بانک جهانی گردآوری شده است، متمرکز شده‌ایم. در ادامه آثار شاخص‌های حکمرانی خوب بر ظرفیت مالیاتی بررسی شده است.

۱-۱. حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی^۹

دموکراسی، حقوق مدنی و آزادی‌های سیاسی از جمله عوامل آگاهی‌بخشی هستند که خواسته‌های مردم از دولت را شکل می‌دهند و موجب شفافیت اقتصادی و اجتماعی می‌شوند. آزادی بیان زمینه‌ساز مشارکت افراد می‌شود و این مشارکت عاملی برای مشروعیت بخشیدن به سازمان‌ها و نهادها، رضایت بیشتر افراد و بهبود کیفیت زندگی است. در چنین شرایطی صاحبان کسب‌وکار از بینش و قدرت لازم برای نقد سیاست‌های اقتصادی نادرست دولت و مقابله با تغییرات نابجا در قوانین برخوردار هستند. حال آنکه در صورت نبود سازوکارهای نظارتی، شفافیت قوانین و سیاست‌های دولت کاهش می‌یابد. این امر هزینه‌های کسب‌وکار را افزایش داده و از این رهگذر، مانع توسعه کسب‌وکار و موجب کاهش فعالیت‌های اقتصادی می‌شود که به نوبه خود منجر به کاهش پایه‌های مالیاتی و در نتیجه کاهش ظرفیت مالیاتی خواهد شد. در جوامعی که شهروندان از آزادی‌های مدنی بیشتری برخوردارند، حکومت‌ها نسبت به تأمین نیازهای اولیه مردم پاسخ‌گوتر هستند، زیرا آنها سیاست‌هایی را انتخاب خواهند کرد که انباشت سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد. ارتقای سرمایه انسانی از یک سو با سطوح بالاتر تولید در ارتباط است و از سوی دیگر، تقاضا برای دموکراسی را افزایش می‌دهد، که این خود موجب پاسخ‌گوتر شدن حکومت‌ها در کنترل منابع و هزینه‌ها می‌شود (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۲). بنابراین شفافیت و پاسخ‌گویی بایستی در بهبود مالیات‌ها مؤثر باشند.

۱-۲. ثبات سیاسی و عدم خشونت^{۱۰}

از دیگر عوامل ارتقادهنده حکمرانی خوب در یک کشور، ثبات سیاسی است. نبودن خشونت سیاسی، جدال بین‌المللی، عدم وقوع جنگ و آشفتگی‌های اجتماعی از عوامل مؤثر بر ایجاد ثبات سیاسی هستند. بی‌ثباتی سیاسی در یک کشور مانع ایجاد نهادهای پشتیبانی‌کننده از امور مالی مانند حمایت از سرمایه‌گذار می‌شود که این ناتوانی منجر به کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و در نتیجه کاهش تولید ناخالص ملی و درآمد ملی می‌شود و این امر موجب کاهش پایه‌های مالیاتی و در نهایت کاهش درآمدهای مالیاتی خواهد شد. بی‌ثباتی سیاسی علاوه بر اینکه باعث می‌شود که نهادهای ضروری برای سیاست‌های کلان شکل نگیرند، سبب کاهش فعالیت‌های اقتصادی شده و این کاهش فعالیت‌های اقتصادی به نوبه خود باعث کاهش ظرفیت مالیاتی می‌شود.

۱-۳. کارایی و اثربخشی دولت^{۱۱}

^۹. Voice and accountability

^{۱۰}. Political Stability (No violence)

^{۱۱}. Government Effectiveness

منظور از اثربخشی دولت، توانایی آن در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح است. دولت کارآمد با نهادسازی مناسب، توسعه را به سمت جلو هدایت می‌کند، حقوق مالکیت را پاس داشته و مانع فعالیت افزونه‌خواران سودجو خواهد شد و با تنظیم قوانین و مقررات مناسب، هزینه مبادله بین افراد را کاهش می‌دهد (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۳). در این شرایط، فعالیت‌های دولت، نتایجی را در پی خواهد داشت که نیازهای جامعه را برآورده می‌سازد و دولت از منابع محدود در اختیار خود، بیشترین استفاده را می‌برد. همچنین کارایی و اثربخشی دولت موجب کاهش هزینه‌های اداره امور عمومی و کیفیت بالاتر خدمات دولتی، بهبود کسب‌وکار و آزادی اقتصادی و در نتیجه افزایش میزان اعتماد شهروندان به دولت می‌شود که در این صورت دامنه فعالیت‌های اقتصادی افزایش یافته و منجر به افزایش ظرفیت مالیاتی خواهد شد.

۱-۴. کیفیت قوانین و مقررات ۱۲

قوانین و مقررات مطلوب و کارآمد یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که می‌تواند بر عملکرد اقتصادی جوامع تأثیر بگذارد. قوانین و مقررات اختلال‌زا در مسیر راه‌اندازی یک کسب‌وکار به اشکالی چون مجوزها و موافقت‌نامه‌های دولتی دست‌وپاگیر، قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت بنگاه‌های خصوصی چون قانون کار، محدودیت‌های تجاری و بار مالیاتی بالا، هزینه اولیه طرح‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد که اگر این هزینه‌ها به اندازه کافی بالا باشد، کارآفرینان عقلایی ممکن است از سرمایه‌گذاری صرف‌نظر کنند. ساده‌سازی نظام مالیاتی به دلیل تأثیر آن بر افزایش اثربخشی و کارایی دستگاه مالیاتی می‌تواند بسیاری از مشکلات یادشده را برطرف کند و قادر است تأثیر بسزایی بر کاهش فرار مالیاتی داشته باشد، زیرا پیچیدگی قوانین برای مؤدیان مالیاتی، دشواری‌هایی ایجاد می‌کند که این امر علاوه بر افزایش هزینه‌های تمکین، احتمال بروز فساد را نیز افزایش می‌دهد؛ در نتیجه حجم فعالیت‌های اقتصادی کاهش می‌یابد و منجر به کاهش ظرفیت مالیاتی خواهد شد.

۱-۵. حاکمیت قانون ۱۳

اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، و احتمال موفقیت در شکایت‌ها علیه دولت از جمله مؤلفه‌های سنجش شاخص حاکمیت قانون هستند. براساس تعریف بانک جهانی، حاکمیت قانون به دنبال محدود کردن قدرت دولت و محافظت از حقوق شهروندان در مقابل سوءاستفاده یا استفاده خودسرانه دولت از قدرتش است (بانک جهانی، ۱۹۹۷: ۱۰۲). تضمین حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها، کلیدی برای هدایت صحیح منابع به سوی سرمایه‌گذاری‌های مولد و جلوگیری از هدر رفتن آن در فعالیت‌های افزونه‌جویانه است و ناتوانی یک جامعه در فراهم کردن سازوکارهایی برای تضمین قراردادها به شیوه‌ای کارا و کم‌هزینه، یکی از مهم‌ترین دلایل رکودهای تاریخی و همین‌طور توسعه‌نیافتگی‌های کشورهای جهان سوم است (نورث، ۱۹۹۵). هنگامی که این احتمال وجود دارد که شریک تجاری افراد (که ممکن است دولت نیز باشد) از قراردادها پیروی نکند، میزان خطر افزایش می‌یابد و گسترش تولید کمتر خواهد شد که این عوامل، ظرفیت مالیاتی را از طریق کاهش پایه‌های مالیاتی به‌طور محسوسی کاهش می‌دهند.

۱-۶. کنترل فساد ۱۴

^{۱۲}. Regulatory quality

^{۱۳}. Rule of law

تعریف سازمان شفافیت بین‌الملل ۱۵ از فساد عبارت است از: «سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی. برای مثال پرداخت رشوه به مقامات دولتی، باج‌گیری در تدارکات عمومی یا اختلاس اموال عمومی». وجود فساد، جذابیت‌های اقتصاد را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی کاهش داده و بنگاه‌های دولتی را به سمت فعالیت‌های غیررسمی که عمدتاً با پرداخت کمتر مالیات به دولت همراه است، سوق می‌دهد. بنابراین کنترل فساد در عملکرد دولت در سطح خرد و کلان، فرار مالیاتی را کاهش می‌دهد و از این طریق توانایی دولت برای بالا بردن درآمدهای مالیاتی به روشی کارآمد و معتدل را بیشتر می‌کند (تنزی، ۱۶، ۱۹۹۷). از سوی دیگر، فساد موجب افزایش کسری مالی دولتی، سوق دادن استعدادهای فعالیت‌های غیرتولیدی، کاهش بازدهی زیرساخت‌های اقتصادی و کاهش بازدهی سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی می‌شود که نتیجه آن در بلندمدت به صورت رشد اقتصادی کمتر و درآمدهای مالیاتی کمتر ظاهر می‌شود (تنزی، ۱۹۹۷: ۵).

۲. مروری بر مطالعات تجربی

تنزی و داودی ۱۷ (۲۰۰۰) با استفاده از داده‌های آماری ۹۰ کشور طی سال‌های (۱۹۹۷-۱۹۸۰) به بررسی اثر فساد بر درآمدهای مالیاتی و غیرمالیاتی با کاربرد داده‌های تلفیقی پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده بیانگر این مطلب است که فساد اثر منفی و معناداری بر درآمد مالیاتی دارد و این نتیجه شامل درآمد غیرمالیاتی نمی‌شود. همچنین اثر منفی فساد بر مالیات‌های مستقیم نسبت به مالیات‌های غیرمستقیم بیشتر است.

ایمام و جاکوب ۱۸ (۲۰۰۷) با استفاده از روش داده‌های تابلویی براساس سیستم گشتاور تعمیم‌یافته (GMM) و با به‌کارگیری شاخص فساد مؤسسه راهنمای ریسک بین‌الملل (ICRG) به بررسی اثر فساد بر درآمدهای مالیاتی دولت در ۱۲ کشور خاورمیانه طی دوره (۲۰۰۳-۱۹۹۰) پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه بیانگر آن است که مالیات بر درآمد اشخاص و مالیات بر مشاغل آزاد، نسبت به سایر مالیات‌ها بیشتر تحت تأثیر آثار منفی فساد قرار دارند.

برد و همکاران ۱۹ (۲۰۰۸) با استفاده از داده‌های تابلویی طی سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۹۰ به بررسی رابطه بین تلاش مالیاتی و متغیرهای فساد اداری و پاسخ‌گویی دولت در دو گروه از کشورهای در حال توسعه و کشورهای با درآمد سرانه بالا پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد به غیر از عوامل طرف عرضه، متغیرهای تأثیرگذار بر طرف تقاضای اقتصاد، نظیر فساد اداری و پاسخ‌گویی دولت، از عوامل تعیین‌کننده کوشش مالیاتی محسوب می‌شوند و گواهی این مطلب است که کشورهای با درآمد بالا از طریق بهبود ساختار حکمرانی، سهم درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی را افزایش داده‌اند.

لی و دیگران ۲۰ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «ظرفیت مالیاتی و تلاش مالیاتی» به بررسی مفهوم و برآورد تجربی ظرفیت مشمول مالیات و تلاش مالیاتی کشورها پرداخته‌اند. آنها یک نمونه ۱۱۰ کشوری از کشورهای توسعه‌یافته و

۱۴. Control of Corruption

۱۵. Transparency International (TI)

۱۶. Tanzi

۱۷. Tanzi and Davoodi

۱۸. Imam and Jacobs

۱۹. Bird and Zolt

۲۰. Le, Moreno-Dodson and Bayraktar

در حال توسعه را در طول سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۹ با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون و با تمرکز بر متغیرهای احتمالی تعیین‌کننده مالیات مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که کشورهایی با سطح بالاتر درآمد، نرخ کمتر رشد جمعیت، تجارت بازر، ارزش افزوده کمتر بخش کشاورزی در GDP و نهادهای باکیفیت‌تر، قادر به جمع‌آوری درآمدهای مالیاتی بیشتری هستند.

رضایی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان «اثر فساد مالی بر درآمدهای مالیاتی در کشورهای منتخب در حال توسعه» به بررسی اثر فساد مالی بر درآمدهای مالیاتی دولت در ۲۷ کشور در حال توسعه طی دوره زمانی (۲۰۰۶-۲۰۰۲) با استفاده از تکنیک داده‌های تابلویی پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بین شاخص‌های کنترل فساد و نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی، رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. علاوه بر این، اثر دو شاخص بر نسبت ارزش افزوده بخش کشاورزی به تولید ناخالص داخلی و نسبت ارزش افزوده بخش صنعت و خدمات به تولید ناخالص داخلی، منفی است و رابطه بین فساد و درجه باز بودن اقتصاد مثبت می‌باشد.

کریمی و دیگران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «اثر فساد مالی بر درآمدهای مالیاتی» به بررسی اثر فساد بر درآمدهای مالیاتی به صورت سهمی از تولید ناخالص داخلی پرداخته‌اند. به این منظور با استفاده از اقتصادسنجی داده‌های تابلویی، اثر شاخص‌های درک فساد و کنترل فساد بر درآمدهای مالیاتی دولت در ۲۷ کشور منتخب در حال توسعه بررسی شده است. نتایج به دست آمده از برآورد الگوها نشان داد که بین شاخص درک فساد و شاخص کنترل فساد، با درآمدهای مالیاتی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش شاخص‌های فساد مالی (کاهش سطح فساد) سهم نسبی درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد. همچنین ضریب سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی، صنعت و خدمات، منفی و ضریب درجه باز بودن اقتصاد و تولید سرانه، مثبت است.

صادقی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر شاخص کنترل فساد اداری و اثربخشی دولت بر درآمدهای مالیاتی»، به بررسی تأثیر شاخص کنترل فساد اداری و کیفیت دولت بر نسبت مالیات در کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا طی سال‌های ۲۰۰۹-۱۹۹۰ پرداخته است. برای این منظور از رهیافت داده‌های تابلویی پویا در قالب تخمین‌زننده گشتاور تعمیم‌یافته استفاده شده است. نتایج حاصل از تخمین مدل، دلالت بر تأثیر مستقیم و معنی‌دار شاخص کنترل فساد اداری و اثربخشی دولت بر نسبت مالیات‌ها در این گروه از کشورها داشته است. علاوه بر این، تأثیر سایر متغیرهای توضیحی همانند درآمد سرانه، درجه باز بودن اقتصاد و سهم ارزش افزوده بخش صنعت مطابق انتظار بوده، به گونه‌ای که متغیرهای درآمد سرانه، درجه باز بودن اقتصاد، سهم ارزش افزوده بخش صنعت و نرخ تورم، تأثیر مثبتی بر نسبت مالیات به تولید داشته‌اند.

۳. الگو

اقتصاددانان معمولاً از نسبت مالیات به GDP برای ارزیابی عملکرد مالیاتی کشورها استفاده می‌کنند. در واقع نسبت مالیات پیش‌بینی شده، عملکرد متوسط مالیاتی را نشان می‌دهد که به عنوان ظرفیت مالیاتی تلقی می‌شود. استفاده از چنین نسبتی، برای مقایسه عملکرد یا روند مالیاتی کشورهایی که دارای ساختار اقتصادی و درآمدی یکسانی هستند، ابزار بسیار مناسبی است (ماسگریو ۲۱، ۱۹۸۷). ساده بودن و ارائه تصویری کلی و جامع از روندهای جهانی دریافت مالیات، از مزیت‌های این روش محسوب می‌شود. با این وجود، باید به این نکته توجه داشت که استفاده از این روش

برای بررسی و مقایسه اثربخشی سیاست‌های دریافت مالیات در کشورهای مختلف با گروه‌های درآمدی متفاوت، ممکن است تصویری غیرواقعی از واقعیت را نشان دهد. دلیل این امر نیز به تفاوت در ساختارهای اقتصادی، ترتیبات نهادی و روندهای جمعیتی نسبت داده می‌شود (پرست ۲۲، ۱۹۷۹: ۳۱).

با توجه به اینکه نسبت مالیات به GDP معیاری جهانی برای سنجش عملکرد نظام مالیاتی است، از این رو در مقاله حاضر از نسبت مالیاتی به عنوان یکی از شاخص‌های ظرفیت مالیاتی استفاده می‌شود.

با توجه به ادبیات موضوع و مطالعات تجربی انجام شده، مدل انتخابی برای بررسی ارتباط بین شاخص حکمرانی خوب و ظرفیت مالیاتی بر پایه الگوی لی و همکاران (۲۰۱۲) به صورت رابطه (۱) ارائه می‌شود:

(۱)

$$\log \text{TGDP}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{GOV}_{it} + \beta X_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن $\log \text{TGDP}$ لگاریتم نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی است که مقدار برآزش شده آن، جانشینی برای ظرفیت مالیاتی است، GOV میانگین شاخص‌های حکمرانی خوب، X بردار متغیرهای تأثیرگذار بر ظرفیت مالیاتی، ε بیانگر جزء خطا، i نشان‌دهنده مقاطع یا واحدهای مشاهده شده و t نشان‌دهنده دوره زمانی می‌باشد.

همان‌گونه که بیان شد، در مورد عوامل مؤثر بر ظرفیت مالیاتی، طیف وسیعی از متغیرها به عنوان عوامل تأثیرگذار بر ظرفیت مالیاتی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. متغیرهای توضیحی به کار گرفته شده در این الگو براساس مبانی نظری و آزمون‌های تشخیصی (به‌ویژه معنی‌داری ضرایب) و مطالعات انجام شده به عنوان عوامل تعیین‌کننده ظرفیت مالیاتی عبارتند از:

- تولید ناخالص داخلی سرانه^{۲۳}: هرچه سطح درآمد سرانه در کشوری بالاتر باشد، دولت‌ها راحت‌تر می‌توانند بخشی از درآمد افراد را به عنوان مالیات دریافت کنند.

- نرخ رشد جمعیت^{۲۴}: با افزایش نرخ رشد جمعیت، نرخ مشارکت نیروی کار بیشتر شده و شمار مؤدیان مالیاتی بیشتر شده و در نتیجه ظرفیت مالیاتی افزایش می‌یابد.

- شهرنشینی^{۲۵}: شهرنشینی با تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در نواحی شهری صنعتی، پایه‌های مالیاتی بزرگ‌تری نسبت به فعالیت‌های روستایی و سنتی مبتنی بر کشاورزی، صنایع دستی و صادرات مواد اولیه ایجاد می‌کند.

- درجه باز بودن تجارت^{۲۶}: تجارت بازتر با نرخ بالاتر رشد اقتصادی مرتبط است. انتظار می‌رود که اقتصادهای باز، سریع‌تر رشد کنند و در نتیجه، با افزایش پایه مالیاتی، بتوان مالیات بیشتری دریافت کرد (لی و دیگران، ۲۰۱۲: ۹).

- ارزش افزوده کشاورزی^{۲۷}: مالیات گرفتن از بخش کشاورزی به دلیل غالب بودن فعالیت‌های معیشتی، که تا حد زیادی غیررسمی هستند، دشوار است. همچنین هزینه اداری مربوط به سازمان‌دهی و نظارت بر فعالیت‌های معیشتی، برای اداره مالیاتی به‌طور چشمگیری بالا خواهد بود.

^{۲۲}. Prest, A.R

^{۲۳}. GDP per capita (constant 2005 US\$)

^{۲۴}. Population growth (annual %)

^{۲۵}. Urban population (% of total)

^{۲۶}. Trade openness

^{۲۷}. Agriculture, value added (% of GDP)

- درجه پولی شدن (نسبت پول به جمعیت): به طور کلی از کسی می توان مالیات گرفت که بتواند با پول، آن را پرداخت کند. فرضیه ما این گونه حمایت می شود که تعریف محدودتر پول (که کمتر تحت تأثیر توزیع درآمد قرار می گیرد) معتبرتر است (لاتز و مورس ۲۸، ۱۹۷۰).

- آموزش ۲۹: بالا رفتن سطح سواد افراد، موجب درک بهتر مقوله مالیات و فلسفه وجودی آن می شود و می تواند رابطه مثبتی با ظرفیت مالیاتی یک جامعه داشته باشد و به عنوان جانشین فرهنگ مالیاتی بر میزان ظرفیت مالیاتی کشور تأثیر بگذارد.

- تورم ۳۰: زمانی که اقتصاد با تورم بالا روبرو است، ظرفیت مالیاتی از نظر درآمدهای اسمی فوق العاده زیاد می شود (در کوتاه مدت) ولی باید توجه داشت که در این شرایط، ظرفیت واقعی مالیاتی به طور محسوسی کاهش می یابد، زیرا درآمدهای دریافت شده، قدرت خرید خود را از دست می دهند.

- نسبت کمک های خارجی به GDP ۳۱: گوپتا و دیگران (۲۰۰۷) دریافتند که وام های اعطایی با تجهیز بالاتر درآمد داخلی مرتبط است، در حالی که کمک های بلاعوض (بخشش) اثر متضادی دارند. این موضوع از این نگرانی کلی ناشی می شود که ممکن است کمک مالی، درآمد مالیاتی را در کشورهای دریافت کننده کاهش دهد. همچنین این نوع کمک ها ممکن است مشکل مخاطره اخلاقی ایجاد کرده و انگیزه افزایش مالیات را کاهش دهند.

- سهم بدهی های خارجی از GDP ۳۲: وجود بدهی عمومی زیاد، به طور ضمنی از نظر پتانسیل مالیاتی هر کشور دارای اهمیت است. با چنین بدهی بزرگی، دولت باید درآمدهای لازم برای سروسامان دادن به این بدهی ها را افزایش دهد.

- سهم کل ارزش منابع طبیعی (نفت، گاز، مواد معدنی و...) از GDP ۳۳: وابستگی زیاد یک دولت به درآمدهای رانتهی، باعث کاسته شدن فشار مالی دولت بر جامعه می شود، زیرا دولت هیچ گونه مالیاتی از جامعه دریافت نمی کند، و یا اگر مالیات دریافت می کند، مقدار آن ناچیز است.

در این مطالعه از شش شاخص حکمرانی خوب ارائه شده توسط بانک جهانی استفاده شده است. بانک جهانی، حکمرانی را به عنوان سنت و نهادهایی تعریف می کند که توسط آنها قدرت در راستای مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می شود و مشتمل بر سه مؤلفه زیر است:

۱. فرایندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تعویض می شوند که دو شاخص حق اظهار نظر و پاسخ گویی و همین طور ثبات سیاسی ذیل این مؤلفه قرار می گیرند.
۲. ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست های درست، مؤلفه دوم است که دو شاخص اثربخشی دولت و کیفیت قوانین و مقررات را دربر می گیرد.

۲۸. Lotz and Morss

۲۹. School enrollment, primary (% gross)

۳۰. Inflation, consumer prices (% annual)

۳۱. Grant% of GDP

۳۲. External Debt Stocks (% of GNI)

۳۳. Total Natural Resources Rents (% of GDP)

۳. احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را اداره می‌کنند نیز مؤلفه دیگری است که شاخص حاکمیت قانون و شاخص کنترل فساد را دربر می‌گیرد (رزمی و همکاران، ۱۴۳:۱۳۹۰). این شاخص‌ها حاصل تلاش سه تن از پژوهشگران بانک جهانی به نام‌های دانیل کافمن، آرت کرای و پابلو زویدو لوباتون ۳۴ است که یافته‌های مؤسسه‌های مختلف بین‌المللی از جمله راهنمای ریسک بین‌الملل ۳۵، بنیاد هریتیج ۳۶ و خانه آزادی ۳۷ درباره وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های کلی با عنوان شاخص‌های حکمرانی را معرفی کرده‌اند. نتیجه کار آنها در قالب شش شاخص و با دادن نمره‌هایی از ۲/۵- (بدترین حالت) تا ۲/۵+ (بهترین حالت) برای هر شاخص، ارائه شده است. از مزایای این شاخص آن است که حدود ۲۱۲ کشور و سرزمین را تحت پوشش قرار می‌دهد و با استفاده از چندصد متغیر از ۳۵ منبع آماری مختلف به‌دست آمده است که نشان‌دهنده دقت بالا در تدوین آنها است (ندیری و محمدی، ۱۳۹۰: ۱۵).

آمار و اطلاعات لازم برای این پژوهش با استفاده از منبع معتبر آماری شاخص‌های توسعه جهانی (WDI) و شاخص‌های حکمرانی جهانی (WGI) به‌دست آمده است.

حوزه جغرافیایی مورد توجه در این پژوهش، کشورهای منطقه منا ۳۸ (شامل کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا) است که با توجه به شباهت‌های فراوان ساختاری و نهادی کشورهای منطقه منا، وابستگی بسیاری از این کشورها به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی و قرار گرفتن ایران در این منطقه، کشورهای مذکور به‌عنوان نمونه در این مقاله مورد توجه قرار گرفته‌اند.

محدوده زمانی انتخاب‌شده نیز سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۲ به‌استثنای سال‌های ۱۹۹۷، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۱ است که شاخص‌های حکمرانی خوب برای این سال‌ها محاسبه نشده است.

۴. نتایج

در این مقاله از روش داده‌های تابلویی که ترکیبی از داده‌های سری زمانی و داده‌های مقطعی هستند، استفاده شده است. وجود محدودیت‌های آماری و اقتصادسنجی، مانع برآورد مدل اولیه با حضور تمامی متغیرها می‌شود. لذا برای رفع این محدودیت در این قسمت، تصریح‌های مختلفی را مورد برآزش قرار داده و بهترین الگو از لحاظ معنی‌دار بودن ضرایب با بالاترین میزان توضیح‌دهندگی انتخاب می‌شود. نتایج به‌دست آمده از برآورد الگو براساس ترکیب‌های مختلفی از متغیرهای توضیحی در پنج تصریح مختلف در جدول شماره (۱) ارائه شده است. برای تمامی مدل‌ها آزمون لیمر انجام شد و در همگی آنها با مقایسه F حاصل از آزمون لیمر با F جدول، فرضیه H0 مبنی بر یکسان بودن عرض از مبدأها در مقابل فرضیه مخالف مبنی بر یکسان نبودن عرض از مبدأها و لزوم استفاده از روش داده‌های تابلویی، رد شده و بنابراین روش داده‌های تابلویی برای برآورد مدل‌ها انتخاب شد.

^{۳۴}. Daniel Kufmann, Aart Kraay, Pablo Zoido Lobaton

^{۳۵}. International Country Risk Group (ICRG)

^{۳۶}. Heritage Foundation

^{۳۷}. Freedom House

^{۳۸}. بر مبنای تقسیم‌بندی بانک جهانی، این منطقه شامل کشورهای ایران، عراق، یمن، الجزایر، لیبی، تونس، مراکش، اردن، جیبوتی، کویت، قطر، امارات، عربستان، مالت، بحرین، عمان، سوریه، فلسطین، مصر و لبنان می‌باشد.

هنگامی که از یک جامعه بزرگ، تعدادی از افراد را به طور تصادفی انتخاب می‌کنیم، باید مطمئن باشیم که مدل اثر تصادفی خواهد بود. اما هنگامی که تمام افراد جامعه را انتخاب می‌کنیم، مثلاً کل صنایع یا کل کشورها در یک منطقه، در این صورت باید مدل اثر ثابت انتخاب شود (اشرف‌زاده و مهرگان، ۱۳۸۷: ۲۸). از آنجاکه در این مطالعه تمام کشورهای منطقه منا انتخاب شده‌اند، پس روش اثر ثابت انتخاب می‌شود و در نهایت نتایج مدل برآوردشده با روش اثر ثابت که در آن به مقاطع، وزن داده شده است در جدول شماره (۱) ارائه شده‌اند.

برخی از ضرایب مربوط به متغیرهای توضیحی در تصریح اول (شامل تمام متغیرهای توضیحی مدل) به لحاظ آماری معنی دار نمی‌باشند. براین اساس، در مراحل بعدی به ترتیب متغیرهایی که کمترین اهمیت آماری را دارند، از الگو حذف و تصریح جدید الگو برآورد می‌شود. از میان تصریح‌های برآوردشده، تصریح پنجم براساس معیار معنی‌دار بودن ضرایب و R2 تعدیل شده و اصل سادگی بهترین برازش را به دست می‌دهد و به عنوان تصریح نهایی انتخاب می‌شود. مقادیر مربوط به R2 تعدیل شده نشان می‌دهد که ۹۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل الگو توضیح داده می‌شوند که برای داده‌های ترکیبی نتیجه رضایت‌بخشی است. میزان آماره F نیز دلالت بر معنادار بودن کلی رگرسیون دارد. به عبارت دیگر، فرضیه صفر بودن تمام ضرایب به صورت هم‌زمان یا معنی‌دار نبودن کلیه ضرایب رد می‌شود.

جدول شماره (۱). نتایج حاصل از تخمین مدل‌های مختلف براساس ترکیب‌های مختلفی از متغیرهای توضیحی

متغیرهای توضیحی	مدل (۱)	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)	مدل (۵)
عرض از مبدأ	۵۵/۷۱۳۹ (۴/۰۴)*	۵۲/۰۵۴۷ (۹/۷۹)*	۵۰/۴۱۱۲ (۱۰/۳۲)*	۴۹/۰۶۳۸ (۹/۱۸)*	۴۸/۵۶۰۹ (۱۰/۲۵)*
لگاریتم درآمد سرانه	-۱۰/۳۱۵۵ (-۷/۹۷)*	-۹/۱۵۹۹ (-۱۰/۴۸)*	-۹/۱۳۱۸ (-۱۰/۱۳)*	-۹/۰۳۴۷ (-۹/۸۱)*	-۸/۸۸۲۵ (-۹/۵۰)*
نرخ رشد جمعیت	۰/۰۸۱۱ (۰/۱۷)	۰/۲۴۰۳ (۱/۱۳)	۰/۳۳۰۸ (۱/۷۶)***	۰/۳۳۱۲ (۱/۹۷)**	۰/۲۸۱۹ (۱/۶۹)***
درجه باز بودن تجارت	۰/۰۱۲۵ (۲/۹۷)*	۰/۰۱۰۸ (۵/۷۴)*	۰/۰۱۱۱ (۶/۳۴)*	۰/۰۱۰۹ (۶/۶۹)*	۰/۰۱۰۰ (۷/۲۹)*
بدهی خارجی	۰/۰۳۴۷ (۳/۱۶)*	۰/۰۳۴۵ (۴/۱۹)*	۰/۰۳۲۸ (۵/۲۸)*	۰/۰۳۲۷ (۵/۲۷)*	۰/۰۲۹۸ (۵/۲۲۲۸)*
کیفیت حکمرانی	۲/۵۳۸۲ (۱/۵۹)	۲/۹۵۰۶ (۲/۸۹)*	۲/۵۶۰۵ (۲/۳۳)**	۲/۲۳۳۰ (۲/۳۱)**	۲/۵۷۱۴ (۳/۱۳)*
لگاریتم نسبت پول به جمعیت (درجه پولی شدن)	۶/۶۲۴۰ (۶/۷۶)*	۶/۱۳۵۶ (۷/۱۲)*	۶/۰۶۹۸ (۸/۱۲)*	۶/۰۳۳۵ (۸/۶۵)*	۶/۱۷۲۱ (۸/۲۲)*

آموزش	۰/۰۴۸۱	۰/۰۳۳۰	۰/۰۴۰۱	۰/۰۴۴۴	۰/۰۲۹۶
	(۲/۵۸)*	(۱/۴۵)	(۱/۸۱)**	(۲/۳۱)**	(۱/۵۰)
تورم	-۰/۰۴۳۰				
	(-۰/۶۰)				
ارزش افزوده کشاورزی	-۰/۱۰۰۲	-۰/۰۶۳۲			
	(-۰/۷۴)	(-۰/۵۶)			
کمک‌های بلاعوض	۰/۰۰۱۶	-۰/۰۶۰۷	-۰/۰۳۵۲		
	(۰/۰۱)	(-۰/۴۷)	(-۰/۳۲)		
درآمدهای رانتی	۰/۰۲۸۰	۰/۰۴۵۹	۰/۰۴۵۸	۰/۰۳۴۰	
	(۰/۶۸)	(۱/۱۱)	(۱/۵۱)	(۱/۵۰)	
درآمدهای رانتی با یک سال وقفه	۰/۰۸۵۹	۰/۰۸۴۵	۰/۰۴۵۸	۰/۰۷۷۸	۰/۰۸۷۰
	(۴/۰۷)*	(۴/۱۵)*	(۱/۱۵)*	(۴/۷۶)*	(۶/۸۰)*
R2	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۶
R2 تعدیل شده	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۶	۰/۹۶
آماره F	۷۶/۵۲	۸۵/۱۱	۹۰/۵۱	۱۲۱/۱۰	۱۲۳/۹۹
آماره آزمون لیمر	(۲۸/۸۱)*	(۳۸/۷۷)*	(۷۳/۳۳)*	(۷۳/۳۳)*	(۶۲/۳۵)*

توضیحات: مقادیر داخل پرانتز آماره t را نشان می‌دهد. علائم * و ** و *** نشان‌دهنده اهمیت آماری ضرایب در سطح به ترتیب ۱ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد هستند.

میانگین شاخص‌های حکمرانی خوب (GOV) که بیانگر کیفیت حکمرانی در کشورها است، اثر مثبت و کاملاً معناداری بر ظرفیت مالیاتی دارد. به این معنا که هر اندازه در یک کشور دولت پاسخ‌گوتر و کارآمدتر و ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه‌ها کمتر و حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدودتر باشد (وجود حکمرانی خوب) ظرفیت مالیاتی بالا خواهد بود. میزان اثرگذاری شاخص کیفیت حکمرانی خوب در کشورهای منطقه مناسبتاً بالا است. این امر نشان‌دهنده ضعیف بودن وضعیت حکمرانی در این کشورها است که بهبود آن می‌تواند تأثیر بیشتری بر ظرفیت مالیاتی کشورهای منطقه داشته باشد.

لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه تأثیری منفی و معناداری بر ظرفیت مالیاتی گذاشته است. انتظار می‌رفت درآمد سرانه به‌عنوان شاخص توسعه‌یافتگی اثر مثبتی بر ظرفیت مالیاتی داشته باشد. در این مقاله اثر منفی درآمد سرانه بر ظرفیت مالیاتی در شرایطی است که مقاله در مورد کشورهای است که ساختار و کیفیت نهادی آنها بسیار ضعیف است و کارکرد نهادهای نظارتی و مالیاتی در آنها رضایت‌بخش نیست، در بسیاری از این کشورها، فساد سازمان‌یافته، پیچیدگی قوانین مالیاتی، هزینه‌های غیرضروری و بالای رعایت قانون، و نبود سازوکارهای مسئولیت‌پذیر، چنان‌که حاکمیت قانون صدمه زده است که اطاعت از قانون مالیات رسمی دور از انتظار است. نتیجه این امر، فرار از پرداخت مالیات در سطحی وسیع و بی‌ثباتی اقتصاد کلان است که منجر به کاهش پایه‌های مالیاتی و در نتیجه کاهش ظرفیت مالیاتی می‌شود.

در مورد تأثیر مثبت درآمدهای رانتهی بر ظرفیت مالیاتی می‌توان چنین استدلال کرد که بخش زیادی از درآمدهای مالیاتی کشورهای منطقه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به درآمد منابع طبیعی بوده است. به‌عنوان مثال، مالیات بر واردات که همواره سهم زیادی از مالیات‌های مستقیم را تشکیل می‌دهد، به‌طور مستقیم وابسته به ارزش حاصل از صادرات نفت است و همچنین مالیات بر شرکت‌ها به‌دلیل وابستگی شدید این شرکت‌ها به واردات مواد اولیه و واسطه‌ای همواره تحت تأثیر نوسان درآمدهای نفتی بوده است.

نرخ رشد جمعیت، درجه باز بودن تجارت، درجه پولی شدن، و سهم بدهی‌های خارجی از GDP تأثیر مثبت و معناداری بر ظرفیت مالیاتی دارند که مطابق مبانی نظری است.

جدول شماره (۲) نتایج برآورد مدل‌ها را به تفکیک شاخص‌های حکمرانی خوب نشان می‌دهد. استفاده از شاخص‌های مختلف حکمرانی، امکان به‌دست آوردن آثار ابعاد مختلف حکمرانی بر ظرفیت مالیاتی را فراهم می‌کند. لذا در این قسمت تأثیر هر یک از شاخص‌های حکمرانی خوب به تفکیک بر ظرفیت مالیاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این منظور، مدل‌های جداگانه‌ای براساس بهترین تصریح نهایی (پنجم) برای هر یک از شاخص‌های حکمرانی خوب برآورد می‌شود. به‌عبارت دیگر، به‌جای متغیر کیفیت حکمرانی در تصریح پنجم، هر یک از شاخص‌های حکمرانی خوب جایگزین می‌شود.

جدول شماره (۲). تخمین الگو به تفکیک شاخص‌های حکمرانی خوب

متغیر	تصریح ۱	تصریح ۲	تصریح ۳	تصریح ۴	تصریح ۵	تصریح ۶
عرض از مبدأ	۴۸/۸۹۹۷ (۹/۶۳)*	۴۶/۳۰۸۲ (۱۰/۷۱)*	۴۸/۵۹۸۱ (۸/۸۲)*	۴۸/۴۰۳۹ (۹/۹۳)*	۴۷/۸۷۶۵ (۱۰/۲۱)*	۵۳/۳۹۷۱ (۹/۴۰)*
لگاریتم درآمد سرانه	-۸/۸۴۸۵ (-۹/۰۶)*	-۸/۷۴۷۸ (-۹/۵۹)*	-۸/۹۹۰۹ (-۱۰/۴۱)* (-۸/۸۲۵۲ (-۹/۹۲)*	-۸/۶۶۳۳ (-۱۰/۵۵)*	-۹/۵۰۴۱ (-۹/۱۱)*
نرخ رشد جمعیت	۰/۲۵۹۷ (۱/۴۰)	۰/۱۷۴۸ (۰/۹۴)	۰/۲۴۹۶ (۱/۳۰)	۰/۲۷۶۴ (۱/۸۰)***	۰/۲۲۲۶ (۱/۱۶)	۰/۳۶۶۷ (۱/۹۱)***
درجه باز بودن تجارت	۰/۰۰۹۵ (۵/۳۶)*	۰/۰۰۹۶ (۵/۹۵)*	۰/۰۰۹۴ (۵/۳۴)*	۰/۰۰۸۱ (۵/۸۶)*	۰/۰۰۸۵ (۴/۶۵)*	۰/۰۱۰۱ (۶/۷۶)*
بدهی خارجی	۰/۰۳۱۰ (۵/۱۵)*	۰/۰۳۰۳ (۵/۶۴)*	۰/۰۳۱۵ (۵/۵۷)*	۰/۰۲۹۰ (۵/۱۳)*	۰/۰۲۹۵ (۴/۹۳)*	۰/۰۲۷۸ (۴/۲۰)*
درجه پولی شدن	۵/۸۰۷۳ (۸/۰۳)*	۶/۲۲۱۷ (۸/۱۴)*	۶/۰۰۵۰ (۶/۳۶)*	۶/۰۸۱۵ (۸/۹۲)*	۵/۸۷۹۱ (۹/۲۹)*	۶/۳۱۹۶ (۷/۷۱)*
آموزش	۰/۰۴۷۰ (۲/۶۶)*	۰/۰۳۰۳ (۱/۷۴)***	۰/۰۴۶۹ (۲/۴۰)***	۰/۰۳۴۴ (۲/۱۵)***	۰/۰۳۴۲ (۱/۷۲)***	۰/۰۲۷۰ (۱/۲۴)
درآمدهای رانتهی با یک سال وقفه	۰/۰۸۹۱ (۶/۰۲)*	۰/۰۷۴۵ (۴/۸۸)*	۰/۰۸۶۷ (۵/۰۸)*	۰/۰۸۴۹ (۸/۴۰)*	۰/۰۸۸۵ (۵/۴۳)*	۰/۰۹۲۵ (۷/۶۳)*

					۰/۰۴۲۰ (۰/۱۶)	حق اعتراض و پاسخگویی
				۰/۸۷۱۶ (۲/۱۷)**		ثبات سیاسی
			۰/۱۵۶۱ (۰/۱۹)			کارایی و اثربخشی دولت
		۱/۴۸ (۲/۴۸)**				کیفیت قوانین و مقررات
	-۰/۲۲۴۱ (-۰/۴۵)					حاکمیت قانون
۱/۰۴۷۳ (۲/۱۷)**						کنترل فساد
۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۶	R2
۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۵	R2 تعدیل شده
۱۲۰/۱۴	۱۱۰/۷۹	۱۲۳/۲۵	۱۲۱/۰۰	۱۱۷/۸۱	۱۲۱/۰۸	آماره F

توضیحات: مقادیر داخل پرانتز آماره t را نشان می‌دهند. علائم * و ** و *** نشان‌دهنده اهمیت آماری ضرایب در سطح به ترتیب ۱ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد هستند.

ضرایب به دست آمده برای متغیرهای کیفیت قوانین و مقررات، ثبات سیاسی و نبود خشونت و کنترل فساد، مثبت و معنی دار است که مطابق مبانی نظری می‌باشد و در میان متغیرهای مذکور، شاخص کیفیت قوانین و مقررات، به لحاظ اندازه عددی بیشترین اهمیت را در میان سایر مؤلفه‌ها داشته است. لذا به نظر می‌رسد که بهبود کیفیت قوانین و مقررات، بیشترین اولویت را در افزایش ظرفیت مالیاتی داشته باشد. همچنین ضرایب شاخص‌های حاکمیت قانون، کارایی و اثربخشی دولت و حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی از معنی‌داری لازم برخوردار نیستند. بنابراین لزوماً هر یک از شاخص‌های حکمرانی خوب به تنهایی تأثیر مثبتی بر ظرفیت مالیاتی ندارند. لذا هر چند ارتقای تمامی شاخص‌های حکمرانی خوب با افزایش متوسط این شاخص، منجر به افزایش ظرفیت مالیاتی از طریق بهبود عمومی کیفیت حکمرانی می‌شود، اما بهبود کیفیت حکمرانی به تنهایی در یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب لزوماً نمی‌تواند ظرفیت مالیاتی را بهبود بخشد؛ لذا از آنجاکه سه مؤلفه کیفیت قوانین و مقررات، ثبات سیاسی و کنترل فساد باعث تأثیر مثبت و معنی‌دار شاخص کیفیت حکمرانی بر ظرفیت مالیاتی شده است، می‌توان گفت که سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که سه شاخص فوق را بهبود دهند، باید در اولویت سیاست‌گذاری برای افزایش ظرفیت مالیاتی قرار گیرند.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت موضوع، در این پژوهش با به‌کارگیری روش داده‌های ترکیبی، تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر ظرفیت مالیاتی را در کشورهای منطقه منا مورد بررسی قرار دادیم و در این راستا از متغیر نسبت مالیات به تولید

ناخالص داخلی به‌عنوان متغیر وابسته در این پژوهش استفاده شد. طبق برآوردهای انجام‌شده به این نتیجه رسیدیم که حکمرانی خوب (به‌عنوان شاخصی از کیفیت محیط نهادی)، باز بودن تجارت، درآمدهای رانتهی با یک سال وقفه، درجه پولی شدن، رشد جمعیت و سهم بدهی خارجی از تولید ناخالص داخلی، تأثیر مثبت و تولید ناخالص داخلی سرانه، تأثیری منفی و معنی‌داری بر ظرفیت مالیاتی دارند. ضریب به‌دست‌آمده برای شاخص کلی حکمرانی خوب، طبق پیش‌بینی، مثبت و معنی‌دار بوده و بیانگر این است که حکمرانی خوب، یعنی داشتن دولتی توانمند که به وظایف حاکمیتی خود (قانون‌گذاری قوی و کارآمد، عدم مداخله در بازار، تولید کالاها و خدمات عمومی با کیفیت بالا و...) به‌خوبی عمل می‌کند، باعث افزایش ظرفیت مالیاتی و جلوگیری از فعالیت‌های ضدتولیدی نظیر رانت‌جویی، فساد و... می‌شود. همچنین در این مقاله، شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی، به‌طور جداگانه نیز مورد آزمون قرار گرفت. ضریب شاخص‌های کنترل فساد، کیفیت قوانین و مقررات و ثبات سیاسی با ۹۹ درصد اطمینان، معنی‌دار و دارای علامت مثبت می‌باشند و از میان آنها، کیفیت قوانین و مقررات، بیشترین نقش و تأثیر را بر ظرفیت مالیاتی دارد و دیگر شاخص‌ها از معنی‌داری لازم برخوردار نیستند.

مثبت بودن رابطه حکمرانی خوب و ظرفیت مالیاتی به این مفهوم است که کشوری با نهادهای خوب، سیستم مالیاتی بهتر و بنابراین ظرفیت مالیاتی بالاتری خواهد داشت. بنابراین دولت‌ها به‌منظور افزایش درآمد مالیاتی خود، علاوه‌بر توجه به ابزارهای سنتی همچون تغییرات نرخ‌ها و پایه‌های مالیاتی، باید به عوامل نهادی همچون کاهش و کنترل فساد و تقویت شاخص‌های مربوط به حکمرانی خوب نیز توجه داشته باشند و در راستای بهبود کیفیت محیط اقتصادی و اجتماعی ملی برنامه‌ریزی و اقدام کنند.

منابع

الف - فارسی

اشرف‌زاده، حمیدرضا و نادر مهرگان. ۱۳۸۷. اقتصادسنجی پانل دیتا، مؤسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران، چاپ اول.

پژویان، جمشید. ۱۳۸۶. اقتصاد بخش عمومی (مالیات‌ها)، انتشارات جنگل، چاپ اول، صص ۸۸-۸۶.
رزمی، سیدمحمدجواد، شهرکی، سارا و محمدرضا کلایی. ۱۳۸۹. «بررسی رابطه بین تجارت بین‌الملل و رشد اقتصادی با استفاده از شاخص حکمرانی خوب»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۹، صص ۱۶۲-۱۳۷.
رضایی، اختر. ۱۳۸۹. اثر فساد مالی بر درآمدهای مالیاتی در کشورهای منتخب در حال توسعه، دانشکده اقتصاد دانشگاه پردیس مازندران.

زرانژاد، منصور و ابراهیم انواری. ۱۳۸۴. «کاربرد داده‌های ترکیبی در اقتصادسنجی»، فصلنامه بررسی‌های اقتصادی، دوره ۲، شماره ۴.

سامتی، مرتضی، رنجبر، همایون و فضیلت محسنی. ۱۳۹۰. «تحلیل تأثیر حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN)»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره چهارم، صص ۲۲۳-۱۸۲.

صادقی، سیدکمال. ۱۳۹۱. «بررسی تأثیر شاخص کنترل فساد اداری و اثربخشی دولت بر درآمدهای مالیاتی»، پژوهشنامه مالیات، شماره چهاردهم، صص ۲۴۶-۲۲۹.

قطمیری، محمدعلی و کریم اسلالموئیان. ۱۳۸۷. «برآورد تلاش مالیاتی در ایران و مقایسه آن با کشورهای در حال توسعه منتخب»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۳، صص ۱۸۶-۱۶۳.

کریمی پتانلار، سعید، بابازاده، محمد و نعیمه حمیدی. ۱۳۹۰. «اثر فساد مالی بر درآمدهای مالیاتی و مخارج دولت»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۵۷، صص ۱۷۰-۱۵۷.

مهرگان، نادر. ۱۳۸۳. «بررسی و اندازه‌گیری ظرفیت مالیاتی در اقتصاد ایران و استان‌های کشور»، طرح تحقیقاتی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.

مهرگان، نادر و نادر پژمان. ۱۳۸۴. «برآورد ظرفیت مالیاتی استان‌های کشور: با استفاده از الگوی داده‌های تلفیقی»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۳۵، صص ۱۴۵-۱۱۷.

ندیری، محمد و تیمور محمدی. ۱۳۹۰. «بررسی تأثیر ساختارهای نهادی بر رشد اقتصادی با روش GMM داده‌های تابلویی پویا»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال پنجم، شماره ۳، صص ۲۴-۱.

ب- انگلیسی

- Bird, R. M. 2002. "Taxation in Latin America: Reflections on Sustainability and the Balance Between Equity and Efficiency", Background Paper Prepared for World Bank Study on Inequality and State in Latin America and the Caribbean.
- Bird, R.M. and Zolt, E.M. 2008. "Technology and Taxation in Developing Countries: From Hand to Mouse", UCLA Law Review 52, No.6, pp.1627-1695.
- Bird, Richard M., Martinez-Vazquez, Jorge and Torgler, Benno. 2005. "Societal Institutions and Tax Effort in Developing Countries", International Studies Program Working Paper, No.04-06.
- Davoodi, Hamid R. and Grigorian, David A. 2007. "Tax Potential vs. tax Effort: Across-Country Analysis of Armenia's Stubbornly Low Tax Collection", IMF working Paper WP/07/106.
- Easterly, W. and Levine, R. 2003. "Tropics, Germs, and Crops: how Endowments Influence Economic Development, Journal of Monetary Economics, 50 (1), pp.3-39.

Gupta, Sen Abhijit. 2007. "Determinants of Tax Revenue Efforts in Developing Countries", IMF Working Paper, WP/08/184.
Imam, P.A.and Jacobs, D.F. 2007. "Effect of Corruption on Tax Revenues in the Middle East", IMF Working Paper, No. .07/270

tax capacity and tax effort: extended cross-country "Le, Tuan Minh, Blanca Moreno-Dodson and Nihal Bayraktar,(2012),
, World Bank, Policy Research Working Paper, No. 4559, March. " analysis from 1994 to 2009
Lotz, Joergen and Morss, Elliott. 1970. "A Theory of Tax Level Determinant for Developing countries", Economic
Development and Cultural Change, Vol. 18 , No.3, April, pp.328- 341.
Musgrave, Richard. 1987. "The Taxable Capacity of Country", Taxation and Economic Development, Ed.By J. F. J.Toy,
.Frank Cass and Company Ltd London: London School of Economics and Political Science
North, Douglas.C. 1995. "The New Institutional Economics and Third World Development", In: John Harriss, Janet Hunter
and Colin M.Lewis J., The New Institutional Economics and Third World Development International Ltd.
Prest, a.R. 1979. "The Taxable Capacity of Country".Taxation and Economic Development", Ed.By J. F. J.Toy, Frank, Cass
.and Company Ltd, London: London School of Economics and Political Science
Tanzi, V. 1997. "Inflation, Lags in Collection, and the Real Value of Tax Revenue", Staff Papers - International Monetary
Fund, Vol.24, No.1, pp.154-167.
Tanzi, V.and Davoodi, H. 2000. "Corruption, Public Investment, and Growth", Working Paper, 97/139.Washington, D.C.:
International Monetary Fund.
.World Bank. 1997. World Development Report, The State in A Changing World, Oxford University Press
The world Governance Indicators. 2013, available at: www.govindicators.org.
World Development Indicators. 2014. available at: www.worldbank.org